

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختار زاده
شهر - اِسْن - المان

میرس

عسلی از لب و دندانی مکیدم که میرس
جگری را ز زبانی بیگزیدم که میرس
لذت و نشئه بهتر زمی و جام شراب
عاقبت ، از دهن و کامی چشیدم که میرس
تا هلال خم ابروی نگاری دیدم
وقت افطار شد و هر سو دویدم که میرس
میوه نوری از نخل وجود صنی
به هزار عشوه و تمکین ، بچیدم که میرس
هوس پیکر لرزان و حریر بدنی
به سر بستر معشوق ، خزیدم که میرس
ناله و زمزمه عشق ، به لحن نمکین
ز گل و میوه و برگی ، بشنیدم که میرس
لعل و یاقوت چکد ، گر ز بدخشان به یمن
بسی تبخال ، به لبها بکشیدم که میرس
من که مدهوش زیک قطره شراب و صلح
نقد جان داده و چیزی بخریدم که میرس

همه گویند می‌رس ، جز سخن عشق می‌رس
با نمک آشی ، به دیگی ، بی‌زیدم که می‌رس
«نعمت» از بین همه زاغ و زغن گفت چنین
کفتر عشقم و از بامی ، پریدم که می‌رس